

جدیدترین نظرسنجی یک اندیشکده حکایت از تداوم کاهش اعتماد به آموزش عالی دارد

نگاه منفی آمریکایی‌ها به کارآمدی دانشگاه

فرهنگستان

دانشگاه

شماره ۴۱۸۸ | خرداد ۱۴۰۲ | WWW.FDN.IR

ساماندهی ۱۰ هزار دانشجو برای ارائه خدمات متنوع در اربعین حسینی

خدمت به زائران محدودیت نمی‌شناسد



جدیدترین نظرسنجی یک اندیشکده حکایت از تداوم کاهش اعتماد به آموزش عالی دارد

نگاه منفی آمریکایی‌ها به کارآمدی دانشگاه



ندا اظهري

آموزش عالی آمریکا چند سالی است که موقعیت آرامی خود را از دست داده و با توجه به مشکلات بودجه‌ای که بر سر راه دولت این کشور قرار گرفته، جایگاه بسیاری از مراکز آموزشی، دانشگاه‌ها و موسسات متزلزل شده است. از این رو موسسات مختلف، نظرسنجی‌هایی را به راه انداخته‌اند تا به این واسطه بتوانند مشروعیتی را برای آموزش عالی آمریکا ایجاد کنند، اما تمام تیرها به سنگ خورد. نتایجی که از نظرسنجی‌ها به دست آمده نشان از تداوم اعتماد از دست رفته این مراکز آموزشی دارد. به طوری که اگر نظر یک آمریکایی را دربار آموزش عالی این کشور جویا شوید، به طور قطع آن را بی‌چیده تلقی می‌کند و به درستی نمی‌تواند پاسخ قطعی مبنی بر خوب یا بد بودن عملکرد آموزش عالی دهد. شک و تردیدها در مورد مزایای آموزش عالی آمریکا همچنان وجود دارد اما بیشتر آمریکایی‌ها موافق هستند که کالج‌ها و دانشگاه‌های این کشور برای تحصیل بسیار پرهزینه و گران هستند. با وجود این، بیشتر آمریکایی‌ها هنوز به ارزش کسب مدرک تحصیلی پس از دوره متوسطه از عان دارند. اندیشکده New America به تازگی نظرسنجی جدیدی در این باره انجام داده که در ادامه ما حاصل آن را می‌خوانید.

کاهش ۵ درصدی رضایتمندی از آموزش عالی آمریکا

اندیشکده New America در نظرسنجی‌هایی که طی هفته گذشته در مورد کیفیت آموزش عالی آمریکا انجام داد، نشان می‌دهد تنها ۳۶ درصد از آمریکایی‌ها بر این باورند که آموزش عالی این کشور در حال حاضر از وضعیت مطلوبی برخوردار است که در مقایسه با سال گذشته ۵ درصد کاهش یافته است. این هشتمین نسخه از این نظرسنجی‌ها دربار چگونگی تفکر آمریکایی‌ها در مورد آموزش عالی این کشور است که آن را در چند بعد از جمله ارزش بودجه دانشگاهی و مسئولیت‌پذیری بررسی می‌کند. یافته‌ها براساس نظرسنجی از ۱۷۰۵ فرد بالغ انجام شده است. نارضایتی بیش از پیش آمریکایی‌ها از وضعیت فعلی آموزش عالی این کشور نیز با این واقعیت آشکار شد که در سال ۲۰۲۴، قریب به ۷۳ درصد از آنها معتقد بودند آموزش عالی بازه سرمایه‌گذاری خوبی را ارائه می‌دهد که نسبت به آمار ۸۲ درصدی در سال ۲۰۱۷ کاهش نشان می‌دهد. علاوه بر این تنها ۵۴ درصد از آمریکایی‌ها فکر می‌کنند آموزش عالی تأثیر مثبتی بر روند امروز این کشور دارد که ۱۶ درصد کاهش را نسبت به سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. بیشتر آمریکایی‌ها هنوز کسب مدرک تحصیلی دانشگاهی را ارزشمند تلقی می‌کنند و مایلند بودجه ایالتی و فدرال افزایش یابد تا تحصیل در کالج مقرون

به صرفه‌تر شود. علاوه بر این، بیش از ۷۰ درصد از افراد بالغ به دنبال آن هستند فرزندان یا اعضای خانواده آنها دست‌کم مدرک دانشگاهی داشته باشند و بیش از ۷۵ درصد نیز بر این باورند حتی اگر دانشجویان برای تحصیل در مقاطع کاردانی و کارشناسی وادار به وام گرفتن شوند، ارزشمند است. کالج‌های دولتی از نظر افکار عمومی درباره صرف هزینه برای تحصیل، عملکرد بهتری از موسسات چهارساله دارند. بیش از سه چهارم شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی (۷۸ درصد) معتقدند کالج‌های محلی ارزش هزینه برای تحصیل را دارند؛ این در حالی است که ۶۵ درصد، ۵۲ درصد و ۳۷ درصد افراد اظهار کردند تحصیل در مراکز آموزشی به ترتیب دانشگاه‌های دولتی چهارساله، موسسات خصوصی و غیرانتفاعی چهارساله، و مدارس انتفاعی ارزشمند تلقی می‌شوند.

نظر ۷۸ درصدی دموکرات‌ها درباره تأمین بودجه دولتی دانشگاه‌ها

به‌رغم شواهد اخیر مبنی بر اینکه پس از تعدیل تورم و در نظر گرفتن کمک‌های مالی، هزینه‌های خالص تحصیل در کالج در حال کاهش است، این نظرسنجی نشان داد ۸۷ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند آمریکایی‌ها بیشتر به دلیل عدم توانایی مالی و هزینه‌های بالای تحصیل تصمیم می‌گیرند در کالج شرکت نکنند. این آمار در میان جمهوری خواهان ۸۶ و در میان دموکرات‌ها ۹۰ درصد اعلام شد. دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به شدت در مورد قبول مسئولیت اصلی تأمین مالی آموزش عالی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از هر ۱۰ دموکرات، ۸ نفر (۷۸ درصد) معتقدند دولت باید بودجه آموزش عالی را تأمین کند در حالی که ۶۷ درصد از جمهوری خواهان بر این باورند دانشجویان به دلیل سود شخصی که از آن می‌برند، باید هزینه آموزش عالی را بپردازند. همچنین تفاوت زیادی بین نسل انفجار جمعیت و نسل‌های دیگر وجود دارد. بیشتر اعضای Z، نسل هزاره و نسل X بر این باورند که دولت باید مسئولیت اصلی تأمین مالی آموزش عالی را برعهده بگیرد، در حالی که بیشتر نسل انفجار جمعیت معتقدند دانشجویان باید این مسئولیت را عهده‌دار شوند. با وجود این از هر ۱۰ آمریکایی حدود ۷ نفر موافق این هستند ایالت‌ها باید مبالغ بیشتری را صرف کالج‌ها و دانشگاه‌های دولتی دو و چهارساله کنند. ۸۹ درصد از دموکرات‌ها و ۵۵ درصد از جمهوری خواهان موافق این امر هستند. در میان یافته‌های این نظرسنجی مشخص شد که ۸۵ درصد دموکرات‌ها و ۶۶ درصد جمهوری خواهان اظهار کردند موضع نامزد‌های ریاست جمهوری در مورد مقرون به صرفه بودن آموزش عالی می‌تواند در شمار آرای آنها در انتخابات اسسال اثرگذار باشد. علاوه بر این، بیش از ۹۰ درصد آمریکایی‌ها بر این باورند که

مهم است کالج‌ها و دانشگاه‌ها داده‌های در دسترس عموم را در مورد شاخص‌های کلیدی کیفیت آموزش مانند نرخ فارغ‌التحصیلی، نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان و درآمد را ارائه دهند. همچنین بین دوسوم تا سه چهارم آمریکایی‌ها، از جمله جمهوری خواهان و دموکرات‌ها موافق هستند دانشجویان در صورت کسب نتایج ضعیف، مانند نرخ پایین فارغ‌التحصیلی، نرخ پایین دستمزد معیشتی، نرخ بالای دستمزد به کمتر از متوسط فارغ‌التحصیلان دبیرستانی و نرخ پایین پرداخت وام‌های دانشجویی، موسسات نباید به مبالغ مالیاتی دسترس‌ی پیدا کنند. علاوه بر این، بیشتر آمریکایی‌ها بر این باور نیستند دانشگاه‌ها باید پول خود را عاقلانه هزینه کنند. در حالی که کالج‌های جامعه دولتی بهترین پاسخ را به این سوال دادند. تنها ۴۵ درصد از بزرگسالان معتقد بودند موسسات آموزش عالی، پول خود را عاقلانه خرج می‌کنند. این درصد برای موسسات دولتی چهارساله ۳۴ درصد، مراکز خصوصی و غیرانتفاعی ۳۴ درصد و انتفاعی ۲۶ درصد گزارش شده که به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. به همین ترتیب کمتر از نیمی از آمریکایی‌ها معتقدند کالج‌ها و دانشگاه‌ها به‌طور کارآمد اداره می‌شوند. کالج‌های اجتماعی در این پرسش بهترین عملکرد را داشته‌اند به طوری که ۴۵ درصد از بزرگسالان موافق عملکرد موثر آنها بودند. اما این مقدار برای دیگر موسسات کمتر است به طوری که ۳۹ درصد برای مراکز چهارساله دولتی، ۳۷ درصد برای دانشگاه‌های خصوصی و غیرانتفاعی چهارساله و ۳۱ درصد نیز برای مدارس غیرانتفاعی گزارش شده است. به‌طور کلی شک و شبهه جمهوری خواهان نسبت به دموکرات‌ها در مورد عملکرد کارآمد نهادها بیشتر است. در مجموع این گزارش نظرسنجی که از سوی بنیاد «پیل و ملیندا آگینس» منتشر می‌شود، تازه‌ترین پژوهش و مطالعه‌ای است که نگرش‌های عمومی متناقض را پیرامون آموزش عالی نشان می‌دهد. در این نظرسنجی، بیشتر شرکت‌کنندگان در حالی که ناامیدی بالایی را حول آموزش عالی این کشور ابراز می‌کنند که به‌طور هم‌زمان، دریافت کسب مدرک تحصیلات تکمیلی را بسیار ارزشمند تلقی می‌کنند. براساس این گزارش، یافته‌ها نشان می‌دهد حتی زمانی که اعتماد آمریکایی‌ها به وضعیت آموزش عالی متزلزل می‌شود، اگر موسسات در زمینه دسترس دانشجویان به داده، مقرون به صرفه بودن آموزش‌ها و پاسخگو بودن اقدام کنند، امید از بین نمی‌رود و می‌توان امیدوار بود در آینده‌ای نزدیک، آموزش عالی این کشور بتواند بار دیگر مشروعیت و محبوبیت خود را به دست آورد. آمریکایی‌ها در حالی به دنبال ایجاد تغییر در آموزش عالی و موسسات آموزشی هستند که در واقع هیچ تغییر نکرده است اما آنها در پی ایجاد راهی برای تحریک اجتماعی و امنیت مالی در این کشور هستند. اما این امر برای بسیاری از آمریکایی قابل دسترس و تحقق نیست.

بخش چهارم

رنسانس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

«دانشگاه» ترجمه مجعول فرهنگستان رضاشاهی!

رفت، دانشگاه تهران دارای شش دانشکده بود که یکی از آنها همان مدرسه علوم قدیمه (یا بقول طلبه‌ها مرکز حوزه علمیه تهران) بود که نام دانشکده معقول و منقول بر آن نهاده بودند. دانشگاه کلا دارای قریب به دو هزار نفر دانشجو و ۳۰۰ نفر استاد و دانشیار بود. در تمامی دانشکده‌ها به‌طور متفرق ۶۰، ۷۰ هزار جلد کتاب بود و مطلقاً بدون نشریه‌ای از طرف دانشگاه و تعداد بسیار ناچیز و غیرقابل ملاحظه‌ای از لاترول‌های غیرمجهز و غیرقابل استفاده و فاقد حتی یک مرکز تحقیقاتی در یک رشته علمی یا هنری و ادبی. دانشگاه تهران، رئیس هم نداشت و زیر نظر وزیر فرهنگ اداره می‌شد. یا صحیح‌تر بگوییم، زیر نظر اداره کل تعلیمات عالی و وزارت فرهنگ. همه نواقص یاد شده با صرف اندک بودجه به دست یک فرد کارزان و دو سه سال وقت قابل علاج و ترمیم بود لکن، از آغاز کار و ضربه بنیادی به این تنها موسسه تعلیمات عالی کشور، خورده بود که هیچ‌گاه نتوانست دارای مفهومی بشود که در سایر نقاط دنیا معمول و مرسوم است. اولین ضربه مهلک را میرزا علی اصغر خان حکمت که تعزیه‌گردان کل داستان بود، بار آورده بود. به این ترتیب که عملاً هیچ‌گونه ملاک و میزان مشخصی برای انتخاب استادان و کادر تعلیماتی به‌کار نبسته بود در حالی که روی کاغذ آیین‌نامه ناقص بی‌سرته‌ی تدوین کرده بود. کادر تعلیماتی تقریباً نیمی از معلمان باقی مانده از زمان قاجاریه بودند که اکثر تحصیلات قدیمه داشتند و نیم دیگر از فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های اروپا و بلاخص فرانسه در انتخاب استادان از معلمان قدیمی و باقی مانده از دوره قاجاریه، حکمت رعایت انتخاب افضل و بهترین‌ها را که همه می‌شناختند و می‌دانستند را نکرده بود و بعضی از بهترین‌ها را به جای استاد دانشگاه به دبیری دبیرستان‌ها گمارده بود و حتی بعضی کم‌سوادها که لیاقت و صلاحیت معلمی نداشتند را به استادی دانشگاه منصوب کرده بود. در انتخاب فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های اروپا به استادی دانشگاه هم نادانی و بی‌اطلاعی یا سخاوتمندی عجیبی به خرج داده بود. عده معدودی از آنها کسانی بودند که ۱۲، ۱۰ سال در اروپا درس خوانده بودند و قابلیت ورود به کادر تعلیماتی دانشگاه‌های اروپا را داشتند و اکثریت کسانی بودند که یکی دو سال در کشور فرانسه تحصیل کرده و حتی زبان فرانسه را خوب نمی‌دانستند و یک دکترای مستعمراتی که کشور فرانسه برای آفریقایی‌ها به‌علل سیاسی راه انداخته و دکترای دونیورسیت نامیده می‌شود، گرفته بودند. داندۀ دکتر دونیورسیت حتی صلاحیت تدریس در دبستان‌های کشور فرانسه را ندارند و به این ترتیب یک عده اهل علم زحمت کشیده بی‌اثری کم‌سواد و گاه شارلاتان را آقای حکمت مخلوط کرده بود و همه را تزیه و مقام استادی در دانشگاه داده بود. در یک سخن، حکمت به‌جای رعایت اصول به جمع‌آوری متعلقان و توجه و پرتیچی‌ها برای خودش پرداخته بود و خشت اول را طوری کج نهاده بود که ورود به کادر تعلیمات دانشگاه تهران بستگی کامل و لاینفک داشت به توصیه‌ها، بست و بندهای سیاسی و اجتماعی و (خدای نخواست) ندرتا به چرب کردن سیبل بعضی درباری‌ها و نزدیک شدن به و للاحضرت‌ها.

انا الله و انا الیه راجعون

برادرگرامی

جناب آقای علی ربیعی

با نهایت تاسف و تأثر درگذشت برادر بزرگوارتان سردار محمد ربیعی را به جنابعالی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر یازماندگان صبر و اجر مسالت دارم.

علی اکبر ولایی

«فرهنگستان» از هفته گذشته بازخوانی بخش‌های مختلف کتاب «رنسانس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه» به قلم علی شیخ‌الاسلام، موسس و رئیس دانشگاه ملی ایران را آغاز کرده است. تاکنون سه بخش از این کتاب منتشر شده و در بخش قبلی وضعیت ایران در پایان دوران حکومت رضاشاه در ۸ محور تشریح شد و در ادامه روایت شیخ‌الاسلام از وضعیت و فرهنگ، او نگاه ویژه‌ای به ماجرای شکل‌گیری دانشگاه تهران داشته است.



دانشگاهی که امیرکبیر تأسیس کرده بود و تا آخر زمان قاجاریه توسعه یافته بود را با گذراندن قانونی مجلس در ۱۳۱۳، «دانشگاه تهران» نامیدند و به دروغ آن را از تأسیسات رضاشاه خواندند. توضیح اینکه یک قرن و نیم قبل از تحریر این سطور، رادمردی بی‌نظیر که نام زیبایی سردفتر اوراق و وطن خواهان و جوانمردان ایران است بنام مرتضی قلی خان امیرکبیر، دانشگاهی در مجاورت قصور سلطین وقت در تهران تأسیس کرد و نام آن را «دارالفنون» گذارد که دقیقاً ترجمه کلمه «یونیورسیتی» در زبان‌های اروپایی است و در روز افتتاح و شروع کلاس‌های درس، موسس عالی مقام آن در حمام فین کاشان به دست میرغضب، مامور از طرف ناصرالدین شاه قاجار به قتل رسید. این موسسه به توسعه و ترقی خود در زمان ناصرالدین شاه و پس از آن ادامه داد و روزی که احمدشاه آخرین پادشاه سلسله قاجاریه خاک ایران را ترک گفت، موسسات نیمه‌مستقل یا به زبان زمان حاضر دانشگاه‌هایی به نام‌های مدرسه عالی نظام، مدرسه عالی طب، مدرسه عالی مهندسی، مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی از آن باقی مانده و مشغول کار بودند. رضا شاه مدرسه عالی نظام را تبدیل به دانشکده افسری کرد و بقیه مدارس عالی که ذکر کردیم را به انضمام مدرسه عالی سپهسالار که از مدارس طلبگی و علوم قدیمه و باز متعلق به زمان قاجاریه بود را یکی کردند و نام آنان را دانشگاه‌ها گذارند که از کلمات مجعول فرهنگستان رضاشاهی است، چون در زبان فارسی تا آن تاریخ کلمه‌ای نداشتیم که مرادف دارالفنون یا همان یونیورسیتیه اروپایی باشد. چنانکه کلمه دانشگاه هم که جزئی از دانشگاه بوده از مجعولات فرهنگستان است که به جای کلمه فاکولته زندگی انتخاب شده است تا موقعی که رضا شاه از ایران رفت جز دانشکده طب که به محل فعلی خود منتقل شده بود، بقیه دانشکده‌های دانشگاه تهران قسمتی در محل اصلی دارالفنون و بقیه در محل‌های مختلف تهران پراکنده بودند. دبیرخانه آن در محل استیجاری واقع در خیابان شاهرخ بود. به این ترتیب کلمه دارالفنون مسمی و معنی و شأن نزول خود را به کلی از دست داد و در محل اصلی آن دبیرستانی را قرار دادند که هنوز باقی است و هیچ ارتباطی با دانشگاه تأسیس شده به وسیله امیر کبیر ندارد. این تقلب و جعل تاریخ و بی‌انصافی نسبت به خادمین مملکت حتی پس از اینکه نقاب در چهره خاک کشیده‌اند و اگر زنده بودند به زبان حال می‌گفتند: «دنیا پس مرگ من چه دریا چه سرآب»، به دست و ابتکار میرزا علی اصغر خان حکمت، وزیر فرهنگ وقت برای تملق‌گویی و تقرب بیشتر به رضا شاه که آنقدر سواد نداشت که ارزش کار او را درک کند به عمل آمد و اثر دردناک و غیرقابل جبرانی در روحیه ملت ایران باقی گذاشت که افراد لایق و قابل در آتیه اندیشه خدمت به مردم را در سر نپوراندند. باری، دانشگاه تهران با اسم مجعول که از طرف چند نفر بی‌سواد و جاعل لغت در فرهنگستان برای او تهیه شده بود و کم و کاست‌های بنیادی و عملی که داشت، وقتی رضا شاه رفت تنها مشعل نوری بود که در ایران تاریخ و ظلمانی و وحشت‌زده و اشغال شده از طرف ارتش‌های خارجی برای مردم باقی مانده بود. در همان وقت دانشگاه‌های بیروت، ترکیه و مصر، ده‌ها سال بود که با دانشگاه‌های اروپا و آمریکا رقابت می‌کردند و محط رحال اهل علم از بلاد دنیا شده بودند و برای جوان‌های ایران افتخار بزرگی بود که بگویند مثلاً فارغ‌التحصیل دانشگاه اسلامبول یا بیروت هستند. روزی که رضا شاه